

تاریخچه‌ی نحوه‌ی برخورد ایران با غرب (۳)

۱۶ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۷

در این دوران بواسطه اعمال دین ستیزانه دستگاه سلطنت و در نقطه مقابل به دلیل نفوذ اندیشه شیعی در میان ایرانیان شاهد واکنشهای گوناگونی از سوی مردم و روحانیت جهت مقاومت در برابر نظام سکولار غربگرا هستیم. گاه نیز این جریانها فوران کرده و به سطح می آمدند مانند قیام مسجد گوهرشاد-مقاومت به صورت شرکت نکردن در مجالس دولتی و جشن ها-عدم خروج بانوان از منزل و..... در بررسی اقدامات پهلوی اول در گرایش به غرب نمی توان به نقش رهبران دینی و مردم و ایستادگی آنها توجه نکرد. البته شاهی که خود به دست انگلیسها بر سر قدرت آمده بود یا به آلمانها بیش از متخصصین ایرانی بها می داد، طبیعی بود که قرارداد نفتی با انگلیس را نیز با وجود یک ژست قهرمانانه تمدید نماید و در فرهنگ و سیاست نیز پیرو ایشان باشد.

(دوران پهلوی اول و شهریور ۱۳۲۰)

در این دوران بواسطه اعمال دین ستیزانه دستگاه سلطنت و در نقطه مقابل به دلیل نفوذ اندیشه شیعی در میان ایرانیان شاهد واکنشهای گوناگونی از سوی مردم و روحانیت جهت مقاومت در برابر نظام سکولار غربگرا هستیم. گاه نیز این جریانها فوران کرده و به سطح می آمدند مانند قیام مسجد گوهرشاد-مقاومت به صورت شرکت نکردن در مجالس دولتی و جشن ها-عدم خروج بانوان از منزل و..... در بررسی اقدامات پهلوی اول در گرایش به غرب نمی توان به نقش رهبران دینی و مردم و ایستادگی آنها توجه نکرد. البته شاهی که خود به دست انگلیسها بر سر قدرت آمده بود یا به آلمانها بیش از متخصصین ایرانی بها می داد، طبیعی بود که قرارداد نفتی با انگلیس را نیز با وجود یک ژست قهرمانانه تمدید نماید و در فرهنگ و سیاست نیز پیرو ایشان باشد.

از طرفی معمولاً "گفتمانها در فضایی رشد می کنند که عناصر غیر و ضد آنها وجود داشته باشد. گفتمان ناسیونالیسم ایرانی نیز زمانی رشد کرد که مردم ما بیگانگان را مسلط بر کشور خود دیدند. در شهریور ۱۳۲۰ هم آنچه موجب ناراحتی ملت بود، اینکه رضا شاه مستبد بوسیله اجنبی ها از حکومت خلع شده. در این میان نفرت ایرانیان از متجاوزین باعث پیدایش نوعی از ناسیونالیسم در ایران شد که از خصوصیات آن تنفر از قدرتهای بزرگدببینی نسبت به سرمایه گذاری های خارجی و توجه به نیروهای داخلی بود و در مجموع ابراز تنفر از هرگونه مداخله خارجی، از جانب ملت، از پیامدهای آن است. این حس بیگانه ستیزی تا مدتها در حافظه جمعی ایرانیان پا برجا ماند. ایرانیان در این فضا به بازشناسی مرزهای هویتی خود احساس نیاز کردند که اندیشه و عمل فدائیان اسلام نیز متأثر از چنین شرایطی بود. اینها احساساتی بود که بعدها با پیروزی انقلاب اسلامی بر سر ابر

(دوران پهلوی دوم

محمد رضا شاه در طی دوران سلطنت خود به شدت به آمریکا نزدیک و وابسته بود و عملاً خود را تحت الحمایه آمریکا و انگلیس می دانست. بارزترین نمونه دست زدن شاه به دامان آمریکا و انگلیس و تبعیت کامل از ایشان کودتای ننگین ۲۸ مرداد بود. ایران با قرارداد کنسرسیوم نفت در سال ۱۳۳۳ و با ورود به پیمان بغداد در سال ۱۳۳۴ کاملاً در اردوگاه غرب قرار گرفت و با قراردادی نظامی در سال ۱۳۳۸ از آمریکا تضمین کمک نظامی گرفت. او در عرصه فرهنگ نیز مروج و مقوم فرهنگ مصرف گرای و لذت طلبی غرب در ایران بود.

در مقابل سیاست های غرب گرایانه ی محمدرضا پهلوی، عکس العمل هایی از جانب روحانیت و روشنفکران مذهبی صورت گرفت که وجه مشخصه ی تمامی آنها دعوت برای بازگشت به خویشتن اسلامی است. از جمله هنگامی که شاه در صدد اجرایی نمودن برنامه به اصطلاح انقلاب سفید، که بقای سلطنت او نیز به نوعی به این اصلاحات آمریکایی مآب بستگی داشت، برآمد امام خمینی (ره) در واکنش به اصرار شاه بر برگزاری فراندوم، طی اعلامیه ای آن را تحریم کرده و فرمودند که این فراندوم در مقابل حکم اسلام و قانون اساسی بی ارزش است. قیامهای مردم ایران پس از آن و از جمله قیام ۱۷ شهریور و حادثه فیضیه همگی در امتداد خط استعمار ستیزی ایرانیان بوده است که با انقلاب اسلامی و در دوران جمهوری اسلامی به اوج خود رسید.

ز) دوران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که با تعریفی معنوی از انسان در عصر تحریک بشریت بین مکاتب دنیوی و بن بست ایدئولوژی های شرقی و غربی، به پیروزی رسیده بود، از ابتدای تولد به رویارویی با مظاهر استکبار پرداخت. با پیروزی انقلاب اسلامی اما دولت آمریکا دست از مداخله در امور ایران برداشت و تمام امکانات خود را به کار گرفت تا انقلاب نوپای ایران را شکست داده و یا حداقل در آن انحرافی ایجاد کند. از آنجایی که در بسیاری تنشهای داخلی کشور دست آمریکا به گونه ای کاملاً آشکار دیده می شد، دانشجویان پیرو خط امام با الهام از اعلام مواضع و سخنان امام(ره)، در اقدامی بی نظیر به تسخیر لانه جاسوسی(سفارت آمریکا) دست زدند. اولین تنش در روابط ایران و استعمار پیر انگلستان هم در این زمان چند روز بعد از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پدید آمد. در این زمان بود که تعدادی دیگر از دانشجویان انقلابی، به سفارت انگلستان حمله ای محدود نمودند. از طرفی در جریان اشغال سفارت ایران در لندن در ابتدای انقلاب که منجر به کشته شدن دو تن از کارمندان سفارت شد، بریتانیا به دلیل کوتاهی در برخورد با مهاجمان، مقصر دانسته شده و می شود. در دفاع مقدس نیز شاهد مقاومت مثال زدنی ملتی بودیم که یک تنه در برابر جهان غرب ایستاد و ایشان را از تهاجم خود مایوس و سرخورده کرد. هراس کنونی غرب از رویارویی مستقیم نظامی با ایران نیز ریشه در همین دوران پرغرور دارد.

اما در دوره ی بازسازی اقتصادی در فاصله سالهای ۱۳۷۶-۱۳۶۸ شاهد حرکت به سوی نوعی مصرف گرایی و استفاده از محصولات فرهنگی غرب هستیم که میرفت تا باعث تغییر در نوع نیازهای نسل جوان گردد. رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از کارگران و فرهنگیان کشور در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵ در این باره چنین گفتند: «عده‌ای خیال کرده‌اند که وقتی ما به تهاجم فرهنگی غرب حمله می‌کنیم، فقط مسأله‌مان این است که یک نفر در خیابان حجابش را درست رعایت نکرده است! مردم به حمدالله حجابشان را رعایت می‌کنند؛ الا افرادی قلیل. مسأله اینها نیست. اصل قضیه آن است که داخل خانه‌هاست و از مجامع جوانان سرچشمه می‌گیرد و دشمنان آن جا کار می‌کنند. آن که آشکار نیست، خطر آن جاست. جوانان ما شهوات را دور انداختند، راحتی و لذت را دور انداختند؛ رفتند در میدان مبارزه و توانستند دشمن را به زانو درآورند. حال دشمن از جوانان ما انتقامش را می‌گیرد. انتقام دشمن این است که جوانان ما را به لذات و شهوات سرگرم کند.» به واسطه تیزبینی ها و اعلام خطرهای چینی بود که فرهنگ مصرف گرایی و گرایش به مظاهر فرهنگ غربی در بین جوانان ایران مهار شد.

در دوران اصلاحات اما خطر به شکلی دیگر و در قالب کوتاه آمدن از ارزشها در مقابل غرب در میان برخی مسئولین می رفت که نمود پیدا کند و اگر حمایت حزب اله نبود ممکن بود با آمریکا در این زمینه معامله شود. در بحث انرژی هسته‌ای نیز تا قبل از ورود مستقیم رهبری به این عرصه شاهد عقب نشینی های بی موردی از جانب دولت بودیم.

از جمله اتفاقات مثبتی که در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران و سیاست صدور انقلاب در برابر هجوم فرهنگی-سیاسی غرب رخ داده است ، پدیده ی «بیداری اسلامی» در قالب جنبش هایی است که به شدت متاثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است و حکومت‌های خادم غرب را در خاورمیانه و شمال آفریقا یا بر انداخته و یا به لرزه در آورده است شبکه های بین المللی خبری ایران نیز همزمان با شروع تحولات و شعله ور شدن اعتراضات مردمی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه به پوشش خبری این انقلابها پرداختند و اقدام به اعلام وقایع امور به مسلمانان و مردم جهان و منطقه کرده و از در پدافندی تاثیر گذار در برابر افند رسانه ای غرب در آمدند.

اکنون نیز با پیشرفتهای انگار ناپذیر کشورمان در دانش هسته ای و قدرت گیری بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران در منطقه ، ادبیات غرب در برابر ملت ایران و از جمله در مذاکرات هسته ای تغییر یافته و توام با احترام گردیده که این تغییر ادبیات نتیجه پایداری مردم بر حقوق هسته ای و تقویت توانایی های داخلی کشورمان است. اگر به روند گذشته نگاه کنیم می بینیم که آنها زمانی با اصل فعالیت های هسته ای کشورمان مخالف بودند اما اکنون ناگزیر از این شده اند که حقوق هسته ای ما را در عمل به رسمیت شناسند. مشاهده نتایج رویکردهای گوناگون به غرب از تسلیم و سازش تا مقاومت توام با تدبیر نشان می دهد که یگانه راه حفظ حقوق هر ملت و از جمله ایران در برابر امپریالیسم غرب ایستادن بر آرمانها و مقاومت در برابر زیاده خواهی هاست و غفلت

یا تسلیم در رابطه با ایشان حاصلی جز قربانی شدن نخواهد داشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۳۶۶/تاریخچه-پ-نحوه-پ-تاریخچه>